

## مصادیق حق حریم خصوصی در فقه و نظام حقوقی ایران

### حسین خرم دل<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس دانشگاه

#### چکیده

حق حریم خصوصی یکی از حقوق مسلم و طبیعی هر فرد است که کرامت ذاتی و انسانی برای وی به ارمغان آورده است و با آرامش روانی و فکری جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد. هر کسی حق دارد از افراد عادی و حکومت انتظار احترام به حریم شخصی اش را در کلیه ابعاد آن داشته باشد تا بتواند در زندگی اجتماعی حوزه فردی و مستقلی داشته باشد. لذا در هر جامعه یکی از وظایف مردم و حکومت حمایت از این حق و جلوگیری از تجاوز و تعدی علیه حریم خصوصی افراد می باشد. در حقوق اسلام این حق مورد حمایت قرار گرفته است. از جمله در قرآن کریم در چندین مورد بر این حق تاکید شده است که می توان به آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور و ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات اشاره نمود. همچنین قاعده لا ضرر و لا ضرار یکی دیگر از مصادیق بارز در زمینه احترام به حق حریم خصوصی در اسلام می باشد. موضوع حقوق ایران نیز در مواجهه با حق حریم خصوصی موضع تحویل گرایانه است یعنی به طور ضمنی و در بطن قوانین حقوقی ایران به طور ناقص مورد حمایت قرار گرفته است. با بررسی فقهی حق حریم خصوصی و محدوده حمایت از آن می توانیم به قانونگذاران و واضعان قوانین جدید تلنگری بزنیم تا با وضع قوانین مناسب بر مبنای احکام اسلامی حول محور حق حریم خصوصی پایه های کار را آنچنان محکم نمائیم تا جامعه ای بر اساس باور و یقین داشته باشیم نه دروغ و تجاوز به حق حریم خصوصی.

**واژه های کلیدی:** غنی سازی شغلی، تعهد سازمانی، عملکرد شغلی، رضایت شغلی، ارتباط با مشتری، ارائه خدمت به مشتری.

**مقدمه:**

خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است ولی با توجه به مقررات مختلف می توان برای آن یک معنی عام و یک معنی خاص قایل شد. خانواده به معنی عام یا خانواده گسترده عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، (یعنی) گروهی که از یکدیگر ارث می برند. مواد ۷۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی که از طبقات اقربا، نسبی را بیان می کند ناظر به اساس خانواده بدین معنی است.

ضابطه این خانواده همان ارث بردن از یکدیگر است<sup>۱</sup>... خانواده به معنی خاص یا خانواده هسته ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنهاست که معمولاً با هم زندگی می کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. لیکن کتاب نهم از جلد دوم قانون مدنی ( مواد ۱۱۹۵ تا ۱۲۰۶) که دارای عنوان « در خانواده» است ظاهراً این کلمه را به معنی دیگری به کار برده است. این کتاب که تنها دارای یک فصل زیر عنوان « الزام به اتفاق» است و شامل ۱۲ ماده است به نفقه اختصاص داده شده است. بنابراین به نظر می رسد که مقصود از خانواده در عنوان این کتاب گروه مرکب از خویشانی است که بین آنها الزام به اتفاق وجود دارد، پس خانواده به این معنی شامل شخص و زوجه و خویشان نسبی خط مستقیم است و اقرباء خط اطراف از خانواده به این معنی خارج هستند<sup>۲</sup>.

در نظام حقوقی ایران تنها خانواده مشمول حمایت است که در نتیجه عقد نکاح شکل گرفته است. مع الوصف « نکاح» در نظام حقوقی ایران دارای شرایطی است که تحقق یا نفوذ نکاح منوط به وجود آنهاست. یکی از مهم ترین شرایط اختلاف جنس است و نکاح بین دو همجنس نمی تواند تحقق پیدا کند. به علاوه

مواد ۱۰۵۹، ۱۰۲۵۹، ۱۱۱۲۲، ۱۰۶۷، ۱۱۲۴ نشانگر آن است که نکاح فقط بین زن و مرد امکان پذیر است، هر چند که ماده صریحی به بطلان نکاح دو همجنس وجود ندارد<sup>۳</sup>.

**نگاهی به دو مفهوم « اولاد» و « نسب»****اولاد**

« اولاد، جمع ولد، به معنی فرزند است. این کلمه به دو مفهوم عام و خاص به کار می رود:

به معنی عام شامل تمام کسانی است که از نسل شخص به طور مستقیم به وجود آمده اند، خواه بی واسطه یا با واسطه. در این معنی، نواده های شخص نیز، هر اندازه پایین برود، در زمره اولاد است، اما، به معنی خاص، به کسانی گفته می شود که بی واسطه از نسل شخص به وجود آمده اند. در کتاب هشتم قانون مدنی کلمه « اولاد» به معنی خاص آن به کار رفته است. زیرا، جز در مورد اتفاق اقارب و ولایت جد پدری، مقصود تنظیم روابط پدر و مادر و فرزندان ایشان در خانواده است. نکته دیگری را که درباره معنی خاص اولاد باید افزود این است که در قانون مدنی و فقه « اولاد» به اطفالی گفته می شود که دارای نسب مشروع هستند و قانون آنان را وابسته به پدر و مادر یا هردو می داند. کودکانی که دارای نسب مشروع نیستند یا پدر و مادر طبیعی خود نسبتی ندارند و نمی توان آنها را « ولد» یا فرزند نامید<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> - شهید ثانی، شرح لمعه، ص ۱۵۵

<sup>۲</sup> - دکتر سیداسدالله، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱

<sup>۳</sup> - همان، ص ۲

<sup>۴</sup> - کاتوزیان، دکتر ناصر، « حقوق مدنی، خانواده»، ج ۱، ص ۱، چاپ چهارم

## نسب

«نسب در لغت به معنی نژاد و اصل و خویشاوندی است، ولی در کتاب هشتم قانون مدنی یکی از عنوان های فرعی اولاد است و به همین قرینه در تعریف آن می توان گفت: «رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می کند».

به این اعتبار، نسب به معنی «رابطه پدر و فرزند» یا «مادر و فرزند» است و شامل خویشان در خط اطراف نمی شود<sup>۵</sup>.

## شرایط تحقق نسب

در نظام حقوقی ایران برای تحقق نسب سه شرط لازم است که عبارتند از:

۱- لزوم وجود رابطه زن و شوهری

۲- وقوع نزدیکی و ارتباط کودک به آن

۳- وقوع نزدیکی بعد از نکاح

## لزوم وجود رابطه زن و شوهری

«در نظام حقوقی ایران نکاح تنها منبع خانواده است و نسب مشروع نیز به طور معمول در صورتی تحقق می یابد که پدر و مادر طبیعی کودک زن و شوهر باشند. در خانواده ایرانی، پدر و مادر کودکی را که نسب او مورد گفتگو است نکاح به هم مربوط می سازد. لزوم همین پیوند زناشویی سبب می شود که نتوان نسب پدری را از نسب مادری جدا کرد: بدین ترتیب، کودکی فرزند مشروع زن است که فرزند شوهر او هم می باشد.

همچنین، نسب مشروع طفل به مرد در صورتی تحقق می یابد که آن طفل فرزند همسر او نیز به شمار آید. قانون مدنی به پیروی از حقوق اسلام، طفلی را که از رابطه آزاد زن و مرد به وجود آمده است منسوب به هیچ کدام نمی داند. چنین کودکی عضو خانواده نیست، از نام پدر و مادر استفاده نمی کند، از آنان میراث نمی برد و به عنوان فرزند حقی بر پدر و مادر طبیعی ندارد.

این سخت گیری مکافات تجاوز پدر و مادر از نظام حقوقی جامعه است، و گرنه تردید نیست که طفل بیگناه را نباید آزد و از مزایای زندگی در خانواده محروم کرد.

با این وجود هرگاه زن و مردی به این پندار که با هم زن و شوهرند نزدیکی کنند، با این رابطه زوجیت بین آنان وجود ندارد و این اقدام را نمی توان مشروع پنداشت، قانونگذار نسب ناشی از این رابطه را در حکم نسب نامشروع شناخته است<sup>۶</sup>.

## لزوم نزدیکی

برای این که کودک منسوب به پدر و مادر خود شود، وقوع ازدواج بین آنان کافی نیست. آنچه از نظر طبیعی و خونی باعث رابطه پدر و فرزندی می شود، نزدیکی آن دو و انعقاد نطفه کامل است<sup>۷</sup>. نکاح شرط مشروع نسب است و در صورتی موثر واقع

<sup>۵</sup> - همان، ص ۲، علامه حلی، القواعد، ج ۲، ص ۵۰

<sup>۶</sup> - ماده ۱۶۷ قانون مدنی

<sup>۷</sup> - کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی خانواده، ص ۶۴ و ۶

<sup>۸</sup> - ماده ۱۱۵۸ حقوق مدنی خانواده

می شود که سبب اصلی (نزدیکی) رخ داده باشد. بنابراین، هرگاه دختر و پسری مدتها زن و شوهر باشند، ولی به علت دوری از یکدیگر یا بیماری و اختلافات خانوادگی نزدیکی بین آنان واقع نشود، طفلی که زن زائیده است نمی توان به این خانواده منسوب کرد<sup>۹</sup>

### لزوم انتساب طفل به نزدیکی بعد از نکاح

برای مشروع ساختن نسب طفل، کافی نیست که پدر و مادر او زن و شوهر باشد و بین آنان نزدیکی واقع شده باشد. باید انعقاد نطفه کودک در دوران زناشویی انجام شود و تنها در این صورت است که می توان رابطه جنسی زن و مرد و نسب کودک ناشی از آن را مشروع دانست. عقد نکاح، مانند هر پدیده طبیعی و حقوقی دیگر، در آینده اثر دارد، ولی رابطه نامشروع پیش از آن تصحیح نمیکنند<sup>۱۰</sup>. بنابراین هرگاه دختر و پسری پیش از ازدواج با هم رابطه جنسی داشته باشند، کودکی که در اثر آن رابطه به وجود آمده است فرزند مشروع آنان محسوب نمی شود، هرچند که پس از آن ازدواج نیز او را به فرزند پذیرفته باشند<sup>۱۱</sup>.

### نسب طفل ناشی از تلقیح مصنوعی

در صورتی که زنی در اثر تلقیح عمدی نطفه مرد بیگانه به خود آبستن شود، نسب چنین طفلی نه به پدر منسوب است نه به مادر. زیرا، قطع نظر از چگونگی آبستن شدن زن، شرایط لازم برای تحقق نسب مشروع در این حالت جمع نیست. اقدام چنین زن و مردی را به طور مسلم نمی توان زنا شمرد، زیرا هیچ گونه رابطه جنسی با یکدیگر نداشته اند.

ولی آنچه سبب انتساب طفل به پدر و مادر می شود، رابطه زوجیت بین آنان یا اعتقاد به وجود چنین رابطه ای است. بنابراین در هر مورد که این عامل اصلی وجود نداشته باشد، خواه دلیل آبستنی زن نزدیکی نامشروع (زنا) باشد یا سایر تماس های بدنی (مانند تغخیز) یا تلقیح مصنوعی باید نسب را نامشروع دانست و بر عکس. در هر جا که رابطه زناشویی یا شبهه محقق باشد، به هر وسیله ای که زن آبستن شود، نسب مشروع است<sup>۱۲</sup>.

### حیات خانوادگی پس از انحلال نکاح

انحلال نکاح عبارت از انقطاع و از میان رفتن رابطه زناشویی است که علل مختلف می تواند داشته باشد.

ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی در این باره می گوید:

عقد نکاح به فسخ یا به اطلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود.

این ماده از فوت سخنی نگفته است ولی شک نیست که فوت یکی از زوجین نیز موجب انحلال نکاح است و شاید بدیهی بودن مطلب سبب شده که قانونگذار در ماده ۱۱۲۰ از آن یاد نکند. همچنین انقضاء مدت که یکی از موجبات انحلال منقطع است در این ماده ذکر نشده است، هرچند که ماده ۱۱۳۹ از آن نیز یاد کرده است. به هر حال، علل انحلال نکاح دائم فوت و فسخ نکاح و

۹ - همان، ص ۷. و نجفی و جواهرالکلام محمدحسن. اهرالکلام، کتاب نکاح در احکام اولاد که در توجیه پاره ای اخبار و گفته هایی درباره مفهوم نزدیکی آن را وسیله توالد و تناسل می داند ولی تصریح می کند که لازم نیست انعقاد نصفه از راه متعارف انزال منی انجام شود

۱۰ - ر.ک شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۴۶۳ و طباطبایی سیدعلی، ریاض المسائل، ج ۲، کتاب نکاح، اسباب تحریم و نراقی ملا احمد، مستند الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۷

۱۱ - ماده ۱۱۶۶۷ قانون مدنی و کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، خانواده، ص ۸

۱۲ - کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی خانواده، ص ۸

طلاق است. البته فوت و فسخ اختصاص به نکاح دائم ندارد و در نکاح منقطع نیز موجب انحلال است. لیکن طلاق ویژه نکاح دائم است.<sup>۱۳</sup>

برخی از حقوقدانان معتقدند که فسخ در ماده ۱۱۲۰ شامل انفساخ یعنی انحلال و برهم خوردن نکاح به علت قانونی بدون اراده زوج یا زوجه نیز می شود. بنابراین لعان یا ارتداد زوج که موجب انفساخ نکاح است مشمول ماده ۱۱۲۰ خواهد بود.<sup>۱۴</sup> اما بحث اصلی ما بررسی وضعیت حیات خانوادگی پس از انحلال است. در این راستا ما تنها به وضعیت حیات خانوادگی پس از انحلال به وسیله طلاق را مورد بررسی قرار می دهیم. چرا فوت یکی از زوجین جز در مورد عده، حکم خاصی ندارد و چون کفر و لعان در زمره موانع نکاح است، جای بحث آن در اینجا نیست.

### آثار کلی طلاق

همان طور که می دانیم طلاق در نظام حقوقی ایران بر دو قسم است: بائن و رجعی است.<sup>۱۵</sup> مبنای این تقسیم بندی در واقع امکان یا عدم امکان رجوع شوهر در زمان عده به زندگی زناشویی است.<sup>۱۶</sup> بسته به این که طلاق رجعی باشد یا بائن آثار متفاوتی در رابطه با حیات خانوادگی پس از طلاق به وجود خواهد آمد. بر این اساس ما بحث را با رعایت نهایت اختصار در دو موضوع زیر بررسی می کنیم:

### الف) آثار طلاق بائن

اگر طلاق بائن باشد، رابطه نکاح از تاریخ وقوع آن منحل می شود. البته این انحلال اصولاً اثری نسبت به گذشته ندارد. بر اثر طلاق بائن، زن و شوهر از قید زناشویی آزاد می شوند. به طوری که شوهر پس از طلاق می تواند بدون اشکال ازدواج کند، اما زوجه اگر از آن دسته از زنان نباشد که عده طلاق ندارد، باید عده نگه دارد و نمی تواند در ایام عده با دیگری ازدواج کند و این تنها اثری است که بعد از طلاق بائن در ایام عده از ازدواج سابق باقی می ماند. بنابراین با وقوع طلاق بائن، حقوق و تکالیفی که زن و شوهر نسبت به هم دارند ساقط می شود. اقامتگاه زن دیگر اقامتگاه شوهر نخواهد بود و بقاء نام خانوادگی شوهر برای زن منوط به اجازه شوهر است.<sup>۱۷</sup> به علاوه زن که در عده طلاق بائن است مستحق نفقه ایام عده نیست، مگر این که آبستن باشد.<sup>۱۸</sup>

### ب- طلاق رجعی

در طلاق رجعی تا زمانی که عده زن منقضی نشده رابطه نکاح کاملاً قطع نگردیده است و به تعبیر بند ۲ ماده ۸ قانون امور حبسی «زوجه ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است». بنابراین در ایام عده رجعیه حقوق و تکالیف زوجیت باقی می ماند. بدین نحو که نفقه زن بر عهده شوهر است و دادگاه در صورت اختلاف باید میزان این نفقه را تعیین کند و اگر یکی از زوجین فوت کند، دیگری از او ارث می برد.<sup>۱۹</sup>

۱۳ - صفایی، امامی، دکتر سید حسین، دکتر سید اسدالله، همان، ص ۲۰۵

۱۴ - جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، حقوق خانواده، ص ۱۸۶، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶

۱۵ - ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی

۱۶ - ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی

۱۷ - ماده ۴۲ قانون ثبت احوال، مصوب ۱۳۵۵

۱۸ - ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی و صفایی، دکتر سین و امامی، دکتر سید اسدالله، همان، ص ۲۰۵

۱۹ - ماده ۹۴۳ قانون مدنی

زنا با زنی که در عده رجعیه است در حکم زنا با زن شوهردار و موجب حرمت ابدی است؛ مرد قبل از پایان عده زن نمی تواند با خواهر او ازدواج کند و می توان گفت ازدواج شوهر با زن دیگر قبل از انقضاء عده زن اول احتیاج به اجازه دادگاه دارد. در واقع، ایام عده رجعیه مهلتی است که قانونگذار به زوجین داده، تا تصمیم نهایی خود را درباره قطع یا ادامه رابطه زناشویی بگیرند. در صورت تحقق رجوع، رابطه ازدواج سابق با کلیه آثاری که داشته است، ادامه خواهد یافت و نیازی به ازدواج مجدد نخواهد بود.<sup>۲۰</sup>

## آثار طلاق نسب به اطفال

### الف) حضانت

حضانت در لغت به معنی پروردن است و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل به توسط کسانی که قانون مقرر داشته است.<sup>۲۱</sup> به علاوه نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است.<sup>۲۲</sup>

در موردی که زن و شوهر از هم جدا شده اند دیگر همکاری آنان برای حضانت از طفل، به گونه ای که در زمان زوجیت وجود داشت، امکان ندارد. پس ناچار بایستی کودک را به یکی از آن دو سپرد. در این خصوص، قانون مدنی مادر را تا ۷ سالگی بر پدر مقدم می شمارد و از آن پس پدر حضانت طفل را بر عهده می گیرد.<sup>۲۳</sup>

ناگفته نماند که در صورتی که یکی از ابویین فوت کند حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود.<sup>۲۴</sup>

نکته دیگر آن که چنانچه به علت طلاق یا به هر علت دیگر ابویین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند، هریک از آنها که طفل تحت حضانت او نیست، حق ملاقات فرزند خود را دارد.<sup>۲۵</sup>

البته نباید تصور کرد که آن حق خاص پدر و مادر است. به عبارتی نه تنها در صورت غیبت یا فوت پدر و مادر دادگاه می تواند ملاقات با سایر خویشان را جایگزین آن سازد در هیچ حال اجداد پدری و مادری نیز نباید از ملاقات با کودک منع کرد چرا که جد پدری در زمره اولیا قهری طفل است.<sup>۲۶</sup>

در همین راستا خارج کردن طفل از کشور بدون رضایت والدین یا اجازه دادگاه ممنوع است و کسی که حضانت طفل با اوست حق ندارد که جز در شرایط خاص محل سکونت طفل را تغییر دهد.<sup>۲۷</sup>

### ب) نفقه

تا زمانی که زن و مرد به عنوان دو همسر زندگی می کنند، تامین معاش این گروه به عهده شوهر است. در قانون مدنی، تکلیف پدر بعد از طلاق نیز همچنان باقی می ماند و فقط در صورت فوت پدر یا ناتوانی مالی او جد پدری و مادری عهده دار نفقه طفل است.<sup>۲۸</sup>

۲۰ - صفایی، امامی، دکتر سید حسین، دکتر سید اسدالله، همان، ص ۲۰۵ تا ۲۰۶

۲۱ - لنگرودی، جعفری، دکتر محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۱۶، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷

۲۲ - ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی

۲۳ - ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی

۲۴ - ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی

۲۵ - ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی

۲۶ - ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی

۲۷ - تبصره ماده ۱۴ قانون حمایت از خانواده

## خانه

تعریفی که در بخش قبل از خانه کردیم همخوانی با مفهوم اقامتگاه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی دارد. لذا ما در مقام تطبیق بحث خود را با اقامتگاه شروع می‌کنیم. اما قبل از آن لازم است این مورد را اشاره قرار دهیم که طبق بند ۳ ماده ۲ لایحه «حمایت از حریم خصوصی» انواع خانه‌ها، چادرهای مسکونی، داخل وسایل نقلی، سقف، بخشهای مسکونی کشتیها، اتاقهای استراحت هتلها، مهمان سراها، خوابگاه‌های دانشجویی، بیمارستان‌ها و دیگر تاسیسات مشابه و یا اماکنی که عرفاً به آن منزل اطلاق می‌شود داخل تعریف منزل می‌باشند. با این حال بخشهای مشترک مجتمع‌های آپارتمانی، هتلها، بیمارستان‌ها و سایر اماکن که دارای بخشهای اشتراکی است از شمول تعریف منزل خارجند.

## اقامتگاه

در نظام حقوقی ما اقامتگاه طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود. بنابراین در حقوق ایران، اقامتگاه شخص مرکز مهم امور اوست. اما ممکن است شخص در محلی سکونت داشته باشد ولی مرکز مهم او در جای دیگری باشد، در این صورت اقامتگاه او محلی است که مرکز امور مهم او در آنجاست. با این وجود چنانکه از ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بر می‌آید، اصولاً محل سکونای شخص مرکز مهم امور او و اقامتگاه او فرض می‌شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود<sup>۲۹</sup>. قانونگذار در رابطه با اقامتگاه اصل وحدت اقامتگاه را مورد پذیرش قرار داده است بدین نحو که «هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد»<sup>۳۰</sup>.

## اقسام اقامتگاه

در نظام حقوقی ایران اصل بر آن است که هر شخص می‌تواند با اراده و اختیار خود اقامتگاهی را انتخاب

کند. طبق اصل ۳۳ قانون اساسی، هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌کند. بر این اساس اقامتگاه در نظام حقوقی ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: قسم اول: اقامتگاه اختیاری و یا ارادی است. اقامتگاه اختیاری و یا ارادی جایی است که شخص به میل و اراده اختیار خود به عنوان محل سکونی و مرکز مهم امور خویش انتخاب می‌کند و اگر مرکز مهم امور، غیر از محل سکونت انتخابی شخص باشد، اقامتگاه او در مرکز مهم امور اوست. ناگفته نماند که تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد<sup>۳۱</sup>.

در اقامتگاه اجباری که قسم دوم اقامتگاه است اراده شخص هیچ‌گونه دخالتی در انتخاب آن ندارد.

خود بر ۵ نوع است:

### ۱- اقامتگاه زن شوهردار<sup>۳۲</sup>

<sup>۲۸</sup> - ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی

<sup>۲۹</sup> - ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی

<sup>۳۰</sup> - صفایی، دکتر سید حسن و قاسم زاده دکتر سید مرتضی، حقوقمدنی اشخاص و محجورین، چاپ سوم، ص ۹۱

<sup>۳۱</sup> - ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی

<sup>۳۲</sup> - ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی

۲- اقامتگاه صغیر و محجور<sup>۳۳</sup>

۳- اقامتگاه مامورین دولت<sup>۳۴</sup>

۴- اقامتگاه افراد نظامی<sup>۳۵</sup>

۵- اقامتگاه خدمه<sup>۳۶</sup>

قسم سوم اقامتگاه اقامتگاه قراردادی نام دارد. طبق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعوی راجع به آن معامله، همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و... همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.

### صیانت از خانه در مقابل ایراد خسارت

#### اتلاف و تسبیب

چنانچه شخصی مال غیر را تلف کند ضامن آن است و در این رابطه مکلف است که مثل و یا قیمت آن را بدهد خواه عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد<sup>۳۷</sup>.

در همین راستا اگر شخصی خانه یا بنای شخص دیگری را تخریب کند باید آن را به شکل اول بنا نماید و الا مکلف است که قیمت آن را بپردازد<sup>۳۸</sup>.

در این خصوص برای آن که برای فاعل مسئولیت ایجاد کرد لازم نیست که تقصیر او احراز شود بلکه همین که بین کار شخص و تلف ایجاد شده رابطه علیت عرفی وجود داشته باشد کفایت می کند<sup>۳۹</sup>. این را در اصطلاح حقوق ما اتلاف می نامند.

البته لازم نیست که خسارت در اثر عمل مستقیم شخص وارد آید بلکه چنانچه شخصی سبب تلف مالی بشود ملزم است که مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شود باید از عهده نقص قیمت آن برآید<sup>۴۰</sup>. به علاوه صاحب دیوار یا عمارت ... مسئول خسارتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است<sup>۴۱</sup>. در واقع مسئولیت شخص از این لحاظ، از باب «تسبیب» است.

۳۳ - ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی

۳۴ - ماده ۱۰۰۷ قانون مدنی

۳۵ - ماده ۱۰۰۸ قانون مدنی

۳۶ - ماده ۱۰۰۹ قانون مدنی

۳۷ - ماده ۳۲۸ قانون مدنی

۳۸ - ماده ۳۲۹ قانون مدنی

۳۹ - کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی (ضمان قهری - مسئولیت مدنی)، ص ۱۳۴، چاپ اول، کتابفروشی دهخدا

۴۰ - ماده ۳۳۱ قانون مدنی

۴۱ - ماده ۳۳۳ قانون مدنی



## اعمال دولت و شهرداری ها

مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کارمندان دولت و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصا مسئول جبران خسارت وارده می باشند به این ترتیب کارمند دولت و شهرداری به انواع کارهای مهم با استفاده از اقتدار عمومی، دست می زند، ولی خود به تنهایی مسئول است و اگر استطاعت جبران خسارت را نداشته باشد ضرری به بار آمده است جبران نشده باقی می ماند. اما ... هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است با این حال در این موارد هم این مشکل همچنان باقی می ماند که به روشنی نمی توان خساراتی که از تصمیم های شخصی کارمندان به بار آمده است را از ضرر های ناشی از نقص وسایل اداری بازشناخت.<sup>۴۲</sup>

با این همه، قانون مسئولیت مدنی، تضمینات کافی در اختیار افراد در مقابل ضررهای که در اثر اعمال حاکمیت دولت به خانه آنها وارد شود، به دست نمی دهد. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۱ این قانون: «... ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود».

خلاصه آن که چنانچه در اثر اتلاف یا تسبیب افراد خصوصی با اعمال کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها خساراتی متوجه اقامتگاه یک شخص شود، این خسارت بدون جبران باقی نمی ماند. از لحاظ کیفری هم چنانچه کسی از روی عمد عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا محلی که معد برای سکنی متعلق به غیر آتش بزند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم می شود و چنانچه عمداً اشیای غیر منقول متعلق به غیر را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید به حبس از ۶ تا ۳ سال محکوم می شود.<sup>۴۳</sup>

## هتک حرمت منازل و املاک غیر

چنانچه شخصی حرمت منزل یا ملک متعلق به غیر را هتک کند از لحاظ کیفری عمل او دارای وصف مجرمانه است. مطابق مفاد ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی چنانچه فردی از روی قهر و غلبه داخل ملکی که در تصرف دیگری است شود علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد یک تا شش ماه حبس محکوم می شود. در این خصوص لازم نیست مالک محصور باشد این حکم در مورد املاک غیر محصور هم مجری می باشد. بعلاوه چنانچه ورود شخصی به ملکی که در تصرف دیگری است به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به بقاء خود به قهر و غلبه اصرار ورزد به همین شکل خواهد بود. در مواردی هم که تعداد مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکی از آنها حامل سلاح باشد مجازات شدت یافته و به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.<sup>۴۴</sup>

## املاک مجاور

یکی از چیزهایی که عموماً در شهرها فاصله بین دو ملک قرار می گیرد دیوار است. دیوار گاه اختصاصی است و گاه مشترک. همانند دیوار، مبنا و قسمتی از زمین که دیوار بر آن ساخته شده است هم گاه اختصاصی است و گاه مشترک. در مواردی که اختصاص یا اشتراکی بودن دیوار معلوم نباشد ممکن است اختلافی بین طرفین ایجاد شود. در این خصوص ماده ۱۰۹ قانون مدنی یک اصل کلی را مقرر می دارد. بدین ترتیب که دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک

<sup>۴۲</sup> - کاتوزیان، دکتر ناصر، منبع پیشین، ص ۱۳۸

<sup>۴۳</sup> - مواد ۶۷۵ و ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی

<sup>۴۴</sup> - مواد ۶۹۳ قانون مجازات اسلامی

محسوب می شود مگر اینکه قرینه یاددلیلی برخلاف آن موجود باشد. قرائن فنی که اختصاصی بودن دیوار فاصل را می رسانند عبارتند از :

بنا به شکل ترصیف<sup>۴۵</sup>، وضع سرتیر<sup>۴۶</sup>، طاقچه و روف<sup>۴۷</sup>

چنانچه قرائن اختصاصی فقط از یک طرف باشد، همه دیوار متعلق به صاحب آن طرف می باشد<sup>۴۸</sup>، اما اگر قرائن مزبور از هر دو طرف باشد، دیوار محکوم به اشتراک بین دو مالک مجاور خواهد بود<sup>۴۹</sup>... زیرا دو مالک به تساوی از دیوار منتفع شده و در آن متصرف هستند. درخت، حفیره و نرده و امثال آن نیز ممکن است که فاصل بین دو ملک قرار گیرد، در این صورت آنها در حکم دیوار مابین خواهند بود<sup>۵۰</sup>.

### تصرفات شرکاء

تصرفات مادی که هریک از شرکاء در ملک مشترک می نماید بر دو نوع است: اول تصرفاتی که وضعیت دیوار تغییر دهد و دوم، تصرفاتی که وضعیت دیوار را تغییر نمی دهد. تصرفات نوع اول بدون اذن شریک یا شرکاء دیگر جایز نیست<sup>۵۱</sup>. اما تصرفات نوع دوم احتیاج به اجازه شریک ندارد، چنانچه شخص می تواند از روی دیوار به پشت بام خود رفته برف آن را پایین بریزد<sup>۵۲</sup>. به هر حال اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار او سرتیری بگذارد، یا روی آن بنا کند هر وقت بخواهد می تواند از اذن خود رجوع کند، مگر آن که به وجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد<sup>۵۳</sup>. به علاوه هرگاه کسی به اذن صاحب دیوار بر روی دیوار سرتیری گذارده باشد و بعد آن را بردارد نمی تواند مجدداً بگذارد مگر به اذن جدید از صاحب دیوار و همچنین است سایر تصرفات<sup>۵۴</sup> همچنین اگر خانه یازمینی بین دونفر تقسیم شود یکی از آنها نمی تواند دیگری را مجبور کند که با هم دیواری مابین دو قسمت بکشند<sup>۵۵</sup> زیرا این اجبار به این امر تجاوز به آزادی عمل مالک در تصرفات در مواردی که حد فاصل بین دو دیوار مشترکی باشد مخارج این دیوار بر عهده مالکان مشترک آن است<sup>۵۶</sup>.

با این حال چنانچه دیوار مشترک خراب شود هیچیک از شرکاء نمی تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار

مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر بنحو دیگری ممکن نباشد<sup>۵۷</sup> منتهی اگر دیوار مشترک خراب شود شریک دیگر حق دارد در حصه خاص خود تجدید بنا کند<sup>۵۸</sup>.

۴۵ - ماده ۱۱۰ قانون مدنی

۴۶ - ماده ۱۱۰ قانون مدنی

۴۷ - امامی، دکتر سید حسن، حقوقی مدنی، ص ۱۱۱، ج ۱، چاپ هفدهم

۴۸ - ماده ۱۱۲ قانون مدنی

۴۹ - ماده ۱۱۱ قانون مدنی

۵۰ - ماده ۱۳۵ قانون مدنی

۵۱ - مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون مدنی

۵۲ - ماده ۱۳۴ قانون مدنی

۵۳ - ماده ۱۲۰ قانون مدنی

۵۴ - ماده ۱۲۱ قانون مدنی

۵۵ - ماده ۱۲۳ قانون مدنی

۵۶ - ماده ۱۱۴ قانون مدنی

۵۷ - ماده ۱۱۳ قانون مدنی

۵۸ - ماده ۱۱۵ قانون مدنی

### حریم طبقات یک ساختمان

ممکن است ساختمانی که دارای چند طبقه است ملک دو یا چند نفر به طور مشاع باشد. البته احتمال هم دارد که به طور مفروز هر طبقه متعلق به یک نفر باشد. قانون مدنی در موارد ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ حدود هریک از طبقات را معین می نماید، در صورتی که طبقه تحتانی متعلق به یکی و طبقه فوقانی ملک دیگری باشد، چون مالک طبقه تحتانی نسبت به دیوارهای اطاق خود و صاحب طبقه فوقانی نسبت به دیوارهای غرفه خود متصرف می باشند، هریک نسبت به آنچه در تصرف دارد مالک شناخته می شود و می تواند در حصه اختصاصی خود به طور متعارف تصرف کند مانند آن که سیم تلفن و برق و گاز بکشد. اما از آنجا که هریک از مالکین طبقه فوقانی و تحتانی متصرف در سقف بین دو طبقه می باشند، سقف مشترک و مشاع بین آن دو شناخته می شود.<sup>۵۹</sup> همچنین پله غرفه فوقانی اگرچه در طبقه تحتانی قرار گرفته است، ولی چون برای استفاده طبقه فوقانی می باشد منحصرأ در رفت و آمد طبقه مزبور به کار می رود، در تصرف مالک طبقه فوقانی و ملک اختصاصی او شناخته می شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود، زیرا ممکن است پله مزبور ملک طبقه تحتانی و مالک طبقه فوقانی فقط حق عبور از آن را داشته باشد.<sup>۶۰</sup>

### صیانت از خانه در مقابل مزاحمت ها

به عنوان یک قاعده کلی در نظام حقوقی ایران باید گفت که هیچ کس نمی تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.<sup>۶۱</sup> بنابراین کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.<sup>۶۲</sup> مثل اینکه فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود.<sup>۶۳</sup> به علاوه کسی که نمی تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند، اگر چه دیوار ملک مختص به او باشد لیکن می تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می تواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده ای بیاویزد که مانع رویت شود.<sup>۶۴</sup>

نهایتاً اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود از آنجا قطع کند و اگر نکرد همسایه می تواند آن را قطع کند و اگر نشد از خانه خود قطع کند و همچنین است حکم ریشه های درخت که داخل ملک غیر می شود.<sup>۶۵</sup>

### مرسولات

حکم کلی حراست از امنیت مرسولات در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده است بدین شرح که :

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. جهت تحقق این هدف و فقط ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی هریک از مستخدمین و مامورین دولتی مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که

۵۹ - ماده ۱۲۵ و ۱۲۶ قانون مدنی

۶۰ - ماده ۱۲۷ قانون مدنی

۶۱ - اصل ۴۰ قانون اساسی

۶۲ - ماده ۱۳۲ قانون مدنی

۶۳ - ماده ۱۳۰ قانون مدنی

۶۴ - ماده ۱۳۱ قانون مدنی

۶۵ - ماده ۱۳۱ قانون مدنی

قانون اجازه صاحبان آنها مطلب آنها را افشا کند به حبس از یک تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

در فرآیند دادرسی هم طبق مقررات آیین نامه دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب چنانچه ملاحظه تفتیش و بازرسی و مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد، کسب مجوز از مراجع قضایی لازم است. در این راستا قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع دهد که اشیاء فوق را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می نماید ... چنانچه اشیاء مزبور حایز اهمیت نبوده و ضبط آنها ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود.<sup>۶۶</sup>

طبق آیین نامه دادرسی کنترل تلفن اشخاص هم اصولاً مجاز نیست مگر آن که کنترل تلفن در رابطه با موردی باشد که به امنیت کشور ربط داشته باشد یا این که جهت احقاق حق اشخاص به نظر قاضی لازم و ضروری تشخیص داده می شود.<sup>۶۷</sup>

### بازرسی

وضعیت بازرسی های بدنی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در هاله ای از ابهام است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی از اصول موازین بسیار کلی را بیان کرده اند. از جمله اصل سی و هفتم که اصل را برائت گذاشته است. از سوی دیگر قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور کیفری) مصوب ۷۸/۶/۲۸ که می بایست شرایط و کیفیت بازرسی های بدنی را مفصلاً بیان می کند تنها در فصل سوم از باب اول تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم را بیان کرده است.<sup>۶۸</sup> اما در لایحه « حمایت از حریم خصوصی» این خلاء کاملاً رفع شده است و فصل دوم این لایحه به کلی به حریم خصوصی و جسمانی افراد اختصاص یافته است. طبق ماده ۳ این لایحه کرامت انسانی و حقوق و آزادی های ملازم با آن مصون از تعرض است. هیچ کس را نمی توان قبل از دستگیری یا پس از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد، مگر بر طبق قانون، همچنین طبق ماده ضابطان دادگستری در انجام وظایف خود می توانند افرادی را که برای امارات و قرائن متعارف مظنون به ارتکاب جرم یا مشارکت یا معاونت و یا تبانی برای ارتکاب جرم هستند متوقف ساخته و اوراق هویت آنها را مطالبه و بازبینی فردی نمایند و آنها را در ارتباط با ظن ایجاد شده، مورد پرسش قرار می دهند. به علاوه طبق م ۵ ضابطان دادگستری می توانند در صورت دستگیری یک فرد وی را در محل دستگیری یا مقر سازمان مربوط با توجه به یکی از اهداف زیر از روی لباس مورد بازرسی بدنی قرار دهند :

۱- برای جلوگیری از استفاده از سلاح یا وسائل خطرناکی که ممکن است توسط شخص دستگیر شده علیه آنها یا دیگران مورد استفاده قرار گیرد.

۲- برای کشف و ضبط مواد مخدر یا ادله جرم اشیاء مورد استفاده برای ارتکاب جرم یا اشیاء حاصل از ارتکاب جرم.

ضابطان دادگستری در اجرای ماده فوق با رعایت اصول امنیتی مربوط به بند ۱ آن باید به ترتیب زیر عمل کنند:

۱- از دستگیر شده بخواهند که هر چه در جیبهای خود دارد یا در لباسش جاسازی کرده خالی کند.

۲- کیف جیبی یا ساک و سایر وسایل همراه او را مورد بازرسی قرار دهند.

۶۶- ماده ۱۰۴ قانون آیین نامه دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب ( در امور کیفری)

۶۷- تبصره ماده ۱۰۴ قانون آیین نامه دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب ( در امور کیفری)

۶۸- نتیجه این خلاء در قوانین ایران تا به حال در حیات اجتماعی به صورت بازرسی های بدنی خودسرانه توسط نیروهای انتظامی بوده است.

۳- در صورتی که اقدامات فوق عرفا کافی یا موثر نباشد فرد دستگیر شده را از روی لباس بازرسی بدنی نمایند.

### بازرسی منازل و اماکن

طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی: «...مسکن و شغل اشخاص و به تبع آن محل شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. بدین ترتیب ورود قهری به منازل شهروندان ممنوع و افراد عادی و به طریق اولی ماموران و مقامات قضایی و غیر قضایی مکلفند از هر گونه تجاوزی به مسکن شهروندان اجتناب ورزند، در غیر این صورت به مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی خواهند رسید»<sup>۶۹</sup>. با این همه رعایت حریم خصوصی شهروندان، در آنچه مربوط به مسکن موجب سوء استفاده تبهکاران گردد<sup>۷۰</sup>.

بر این اساس ضوابط لازم الرعایه به هنگام ورود و بازرسی منزل را که آیین دادرسی کیفری بر آنها صحه گذاشته است را در گفتار دوم مورد اشاره قرار می دهیم :

در پایان این بحث باید این را هم بیفزاییم که وفق ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده است. چنانچه بدون ترتیب قانونی به منزل کسی وارد شود، به مجازات از حبس از ۱ ماه تا ۱ سال محکوم می شود.

### مصونیت اماکن و منازل ماموران سیاسی

به استناد ماده ۲۲ کنوانسیون وین ناظر به روابط سیاسی کشورها با یکدیگر که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ به امضای نماینده مختار و در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است: اماکن مأموریت مصونیت دارند و ماموران کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت. ماده ۳۰ قرارداد مذکور محل اقامت خصوص مامور سیاسی را به اماکن مأموریت تشبیه و آن را نیز مورد حمایت قرار داده است. بدین ترتیب خانه و مسکن ماموران سیاسی همانند سفارت خانه ها، کنسولگری ها و نمایندگی های دائمی از مصونیت برخوردار و اسباب، اثاثیه و اشیاء دیگر موجود در آنها و همچنین وسایل نقلیه ماموران سیاسی به استناد بند ۳ ماده ۲۲ قرارداد مذکور مصون از تفتیش و تفحص و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی دیگر خواهد بود<sup>۷۱</sup>.

### معاینه منزل و دفتر وکلای دادگستری

در مواردی که ورود و تفحص در منزل یا محل کار وکیل دادگستری ضرورت داشته باشد قاضی تحقیق ناگزیر از رعایت برخی ضوابط است که مانند آن در بازرسی منازل و دفاتر افراد معمولی مشاهده نمی شود. نخست آن که قانونگذار این حق تفتیش را برای قاضی فقط وقتی قایل شده است که متهم نوشتجات خود را به منظور خاصی جهت جلوگیری از کشف جرم به وکیل خود سپرده باشد<sup>۷۲</sup>. ماده ۱۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مقرر می دارد: هرگاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید...

۶۹- ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی

۷۰- آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، ص ۱۳۵

۷۱- آشوری، دکتر محمد، منبع پیشین، ص ۱۳۷

۷۲- آشوری، دکتر محمد، منبع پیشین، ص ۱۳۷

## حرمت و حیثیت

### اصل مصونیت حرمت و حیثیت

در نظام حقوقی ایران مصونیت و حیثیت اشخاص یک اصل حقوقی مسلم و پذیرفته شده ای است. گواه این مدعا اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می دارد: حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در رابطه با این اصل باید این نکته را خاطر نشان سازیم که از آنجا که حیثیت تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی می باشد، اصل ۲۲ قانون اساسی مصونیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتری قرار داده است.<sup>۷۳</sup>

در کنار حکم کلی مندرج در اصل ۲۲ قانون اساسی باید به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد که اشعار می دارد: هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به ... حیثیت یا شهرت تجاری ... افراد ... لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

همچنین، در راستای حرمت از مصونیت حرمت و حیثیت افراد بوده که اصل ۳۹ قانون اساسی از یک سو همین حرمت و حیثیت فردی که دستگیر یا بازداشت و زندانی یا تبعید شده را علی الاطلاق ممنوع ساخته و چنین عملی را مستوجب مجازات دانسته است و از سوی دیگر اصل ۳۸ هرگونه شکنجه برای اخذ اقرار و یا تحصیل آگاهی را ممنوع نموده است و وادار ساختن فرد به ادای شهادت، اقرار یا قسم را به هیچ وجه روا ندانسته، شهادت، اقرار قسمی که بدین نحو تحصیل می شود را فاقد هرگونه ارزش و اعتبار تلقی کرده است.

در راستای تحقق اهداف این اصول قوانین مختلف به ویژه قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی تصمیماتی مقرر کرده اند که آنها را در قالب عناوین ذیل مورد بررسی قرار می دهیم:

### منع دشنام، ناسزاگویی، اهانت و هجو

افراد از هرگونه توهین، همچون فحاشی و استفاده از کلمات رکیک مصون هستند و نقض چنین مصونیتی در صورتی که موجب حد قذف نباشد با مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی مواجه خواهد شد.<sup>۷۴</sup>

به علاوه صیانت از منافع عمومی ایجاب می کند که مجریان نفع عمومی و نمایندگان و خدمتگزاران مردم با هیچ مانع مادی یا معنوی مواجه نشوند. این است که هرگونه توهینی به این قبیل افراد در حال انجام وظیفه یا به سبب آن با مجازات سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.<sup>۷۵</sup>

همچنین هیچ کس حق ندارد با نظم و نثر یا کتباً یا شفاهاً دیگری را آماج هجو خود قرار دهد یا به انتشار هجویه علیه افراد مبادرت ورزد و تخطی از این حکم، از لحاظ کیفری به حبس از ۱ تا ۶ ماه می انجامد<sup>۷۶</sup> و از لحاظ مدنی، مسئولیت وی به صورت الزام به توقیف ساختن عمل ضررآمیز و جبران خسارت مادی و معنوی محقق می شود.<sup>۷۷</sup>

<sup>۷۳</sup> - هاشمی، دکتر سید محمد، منبع پیشین، ص ۲۷۸

<sup>۷۴</sup> - ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی

<sup>۷۵</sup> - ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی

<sup>۷۶</sup> - ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی و در مورد مطبوعات ماده ۳۱ قانون مطبوعات

<sup>۷۷</sup> - مواد ۱ و ۸۰ قانون مسئولیت مدنی

## منع هتک اعتبار و آبرو

این موضوع را هم از حیث مسئولیت کیفری و هم مسئولیت مدنی مورد بحث قرار دهیم. از لحاظ مسئولیت کیفری چنانچه کسی به نیت ضرر رساندن به دیگری یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی اکاذیبی را ابراز دارد علاوه بر آن که در صورت امکان ملزم به اعاده حیثیت است به حبس از ۲ ماه تا ۳ سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. در این رابطه فرقی ندارد که فرد مزبور چنین عملی را به وسیله نامه، شکواییه، مراسلات، عرایض، گزارش، توزیع اوراق چاپی یا خطی، با امضاء و یا بدون امضاء انجام دهد یا این که عمل وی در قالب انتساب خلاف حقیقت اعمالی به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات اسمی ارتکاب یابد.<sup>۷۸</sup> به علاوه، در خصوص شخصی که در کمال سوء نیت به منظور متهم ساختن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیائی که پیدا شدن آنها در تصرف یک فرد باعث اتهام او می شود را بدون اطلاع آن فرد بگذارد یا مخفی کند یا این که به نحوی از انحاء مطلق به او قلمداد کند و در اثر این اقدام شخص مزبور تحت پیگرد قرار گیرد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود.<sup>۷۹</sup> از لحاظ مسئولیت مدنی، کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زبان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.<sup>۸۰</sup> ناگفته نماند که دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.<sup>۸۱</sup>

در پایان این را مورد اشاره قرار می دهیم که در فرایند دادرسی هم جهت پاسداری از حرمت و حیثیت اشخاص بر اصل علنی بودن محاکمات محدودیت هایی وارد شده است که یکی از آنها امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی است البته به شرطی که طرفین غیر علنی شدن محاکمه را درخواست نمایند.<sup>۸۲</sup>

ناگفته نماند که علنی بودن محاکمه به معنای عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسه دادرسی است. با این حال رسانه های گروهی حق ندارند جریان دادرسی را قبل از قطعی شدن حکم منتشر سازند و در غیر این صورت به مجازات مفتتری محکوم می شوند.<sup>۸۳</sup>

## حریم جنسی

ایران کشوری است که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن اسلام را پذیرفته آن را آیین تمام شئون خویش قرار داده اند. در این راستا اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می دارد دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است... رسمیت اسلام و شیعه اقتضاء میکند که این دین و مذهب عملاً در امور مختلفه حقوقی، قضایی، سیاسی و اجتماعی کشور حاکم و مجری باشد. اصول متعدد قانون اساسی در این زمینه مقررات متنوعی را بیان می دارد، از جمله این که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلام باشد.<sup>۸۴</sup> بنابراین مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی

<sup>۷۸</sup> - ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی

<sup>۷۹</sup> - ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی

<sup>۸۰</sup> - ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی

<sup>۸۱</sup> - ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی

<sup>۸۲</sup> - ماده ۱۸۸ قانون آیین نامه دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)

<sup>۸۳</sup> - ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)

<sup>۸۴</sup> - اصل ۴ قانون اساسی

کشور...مغایرت داشته باشد<sup>۸۵</sup>. و علاوه بر آن قضاوت دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند<sup>۸۶</sup>. در امور قضایی هم اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید بر طبق موازین اسلامی تشکیل شود به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازند<sup>۸۷</sup>. بر این اساس قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا در قوانین مدونه که مطابق شرع است بیابد و اگر نباید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید<sup>۸۸</sup>.

از سوی دیگر می دانیم که مطابق به آموزه های اسلام، تامین نیازهای جنسی و هرگونه فعالیت جنسی تنها از راه نکاح جایز است و جز آن پیمودن هر راه دیگری روا نیست. بازتاب این امر را در قانون مجازات اسلامی می بینیم. این قانون به اعمال جنسی آزاد افراد تحت چهار عنوان وصف مجرمانه داده است:

- ۱- زنا
- ۲- لواط
- ۳- مساحقه
- ۴- جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

ماده ۶۳ این قانون زنا را عبارت دانسته از اجماع مرد با زنی که ذاتا با او حرام است. پر واضح است که تنها زنی بر مرد ذاتا حرام نیست که همسر او باشد. نتیجه آن که جماع مرد با هر زنی غیر از همسر خود زنا است و مجازات آن بسته به نوع زنا ممکن است قتل، رجم، یا تازیانه باشد<sup>۸۹</sup>.

لواط، طبق مفاد ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی و طی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز. مجازات چنین عملی ممکن است قتل باشد یا تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق. به علاوه هر گاه کسی را از روش شهوت بیوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود. همچنین هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از ۱۰۰ تازیانه تعزیر می شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هریک از آنها ۱۰۰ تازیانه زده می شود<sup>۹۰</sup>.

مساله به اینجا ختم نمی شود. طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منتفی عفت غیر از زنا از قبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد.

<sup>۸۵</sup>- اصل ۷۲ قانون اساسی

۱- هاشمی، دکتر سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ پنجم، نشر میزان، زمستان ۱۳۷۲، ص ۳۱۷

۲- بنگرید به فصل سوم، باب اول، کتاب دوم قانون مجازات اسلامی در اقسام حد زنا

<sup>۹۰</sup>- ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی



### حراست از داده ها

در نظام حقوقی ایران مقررات و ضوابط چندی جهت حراست از داده های الکترونیک به چشم می خورد. طبق قسمت ۵-۳-۱۵ بند ب مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه مصوبه ۸۰/۹/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی حریم اطلاعات خصوصی کاربران از مصونیت برخوردار بوده و هرگونه دسترسی غیر قانونی توسط رسانه ها و هر جمع دیگر به فعالیت های اینترنتی کاربران ممنوع است. به علاوه رسانه ها به هیچ وجه حق ندارند روابط خصوصی افراد را افشا کرده یا حریم اطلاعات شخصی آنها را مورد دست اندازی قرار دهند و مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه از هرگونه نفوذ غیر مجاز مصون هستند و هرگونه کوششی که در راستای شکستن قفل رمز سیستم ها صورت پذیرد، ممنوع می باشد<sup>۹۱</sup>. همچنین هرگونه تلاش جهت شنیدن و بررسی بسته های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که متعلق به دیگران باشد ممنوع می باشد. رسانه ها موظف اند که از یک سو تدابیر فنی لازم جهت حفظ حقوق کاربران و جلوگیری از حمله و تجاوز به کامپیوترهای «ما را فراهم سازند و از سوی دیگر موظف اند اطلاعات راجع به نحوه حفاظت از حریم خصوصی اطلاعات و ارتباط افراد در شبکه خود را در اختیار کاربران بگذارند<sup>۹۲</sup>.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نظارت بر حسن اجرای این مقررات را بر عهده دارد و تخطی از این مقررات و ضوابط ممکن است به تذکر، قطع موقت مجوز، لغو پروانه و طرح در دادگاه ها بر اساس قوانین و مقررات بر عهده کمیسیون راهبردی است<sup>۹۳</sup>.

علاوه بر آنچه که در بالا گفتیم لزوم است که ضوابط مندرج در آیین نامه دفاتر خدمات حضوری اینترنت<sup>۹۴</sup> را نیز مورد اشاره قرار دهیم.

طبق آیین نامه دفاتر خدمات حضور اینترنتی، افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم خصوصی اطلاعات شخصی آنان را ممنوع اعلام کرده است<sup>۹۵</sup> و انتشار اطلاعات حاوی کلیدهای رمز بانک های اطلاعاتی، نرم افزارهای خاص، صندوق های پست الکترونیک و یا روش شکستن آنها نیز ممنوع می باشد<sup>۹۶</sup>.

همچنین نفوذ غیرمجاز به مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه به هر شکل که باشد ممنوع است و هرگونه تلاش جهت شکستن قفل رمز سیستم ها مقبول و مجاز نیست<sup>۹۷</sup>. از سوی دیگر کوشش جهت شنیدن و کاویدن بسته های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که به دیگران متعلق می باشد ممنوع است<sup>۹۸</sup>.

هرگونه تخلف در این خصوص برای بار اول تذکر، بار دوم لغو موقت پروانه به مدت یک هفته، بار سوم شش ماه لغو پروانه و تلف نوبت چهارم لغو دائمی پروانه خواهد بود<sup>۹۹</sup>.

<sup>۹۱</sup>- قسمت ۶۰۱۲ بند ب و بند ۶-۱۷ و بند ۶-۱۹ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۲</sup>- بند ب-۹ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۳</sup>- بند ب-۹ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۴</sup>- بند ج-۱۵ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۵</sup>- بند ج-۱۵ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۶</sup>- بند ج-۱۵ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۷</sup>- بند ج-۱۹-۷ مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه

<sup>۹۸</sup>- تبصره ۲ بند ج آیین نامه دفاتر خصوصی حضوری اینترنت

<sup>۹۹</sup>- تبصره ۲ بند ج آیین نامه دفاتر خصوصی حضوری اینترنت

### تکالیف صاحبان مشاغل نسبت به رازداری

حکم کلی تکلیف صاحبان مشاغل به رازداری در قانون مجازات اسلامی آمده است. این قانون در ماده ۶۴۸ مقرر کرده که: اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسب شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند هرگاه در غیر از موارد غیرقانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

۱- ماده ۳۰ قانون وکالت ایران اشعار می دارد: وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

۲- ماده ۲۳۱ قانون مالیات های مستقیم ماموران اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی را ملزم می نماید که: اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی بدست می آورند محرمانه تقلب و از افشای آن خودداری نمایند.

ماده ۲۶ قانون مالیات بر ارث مصوب ۱۳۳۵ مستخدمان وزارت دارائی و از اعضای کمیسیون تشخیص و سایر اشخاص مامور اجرای آن قانون را موظف کرده است هرگونه اطلاعاتی را که در نتیجه کار اداری شان درباره دارائی اشخاص تحصیل کرده اند محرمانه تلقی نمایند.

### نتیجه گیری

اسلام نه تنها حاکمان بلکه مردمان را نیز از ورود به زندگی شخصی دیگران، کنجکاوی، پاییدن و فضولی کردن در امور دیگران منع کرده است. در کنوانسیون ها و اسناد حقوق بشری که مطالعه شد منع تجاوز افراد به حق حریم خصوصی یکدیگر به تصریح پیش بینی نشده است تنها با تفسیر از آنها استنباط شده است.

از حریم منزل، مکالمات، ارتباطات عقاید و افکار در آیات و احادیث متعددی حمایت شده است. به اعتماد بر ظواهر و حسن ظن سفارش شده، از سوء ظن و تجسس در امور پنهانی دیگران منع شده است.

از لحن و شیوه بیان متون مختلف در حمایت از حق حریم خصوصی، چنین استنباط می شود که برخی امور و مکانها ذاتاً در قلمرو حریم خصوصی قرار دارند و برخی امور، بنا به درخواست افراد ممکن است جزء حریم آنان و لازم الاحترام از جانب اشخاص ثالث قرار گیرد. برای مثال، منزل و امور سیئه یا اموری که اطلاع از آنها و آگاه ساختن دیگران از آنها اشاعه فحشا و منکر محسوب می شود ذاتاً در قلمرو حریم خصوصی است، اما مسائلی که افراد به دلایل شخصی آنها را از دیگران کتمان می کنند یا درصدد انکار و تکذیب آنها هستند، در صورتی که با حقوق دیگران تعارض نداشته باشد، به طور شخصی یعنی تنها در مورد آن شخص حمایت شده است.

در مجموع، به نظر می رسد که حق حریم خصوصی در نظام احکام اجتماعی اسلام، قلمرو وسیعی از زندگی انسان ها را شامل می شود. در این قلمرو، آزادی انسان ها در تعیین سرنوشت خود به رسمیت شناخته شده، حکومت و سایر افراد جامعه از مداخله در این حریم منع شده اند. البته این سخن به معنای بی توجهی احکام اسلام به اعمال و افعال انسان ها در خلوت خود نیست. در احکام فرعی اسلام و نیز نظام اخلاقی اسلام، درباره نحوه رابطه انسان ها با خویشان و با خداوند احکام بسیاری آمده است.

با توجه به تصویری که از احکام و توصیه های اسلام را درباره حق حریم خصوصی ارائه شد. به این نتیجه می رسیم که برای حمایت از حق حریم خصوصی و مقوله های مختلف آن در نظام حقوقی اسلام مبانی محکمی وجود دارد که در روزگار حاضر

برای حمایت از آن کفایت میکند. از این رو وصف حقوق بشری حریم خصوصی ارزش افزوده ای برای نظام حقوقی و اخلاقی اسلام ندارد.

## منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم، الله جل جلاله العظیم
۲. امام علی (ع) نهج البلاغه
۳. آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت ۱۳۷۵
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مترجم: میرجلال الدین حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۲ ق.
۵. آیین نامه دفاتر خدمات اینترنت
۶. ابادری فومشی، منصور، مجموعه آراء دادگاه عالی انتظامی قضات، انتشارات خط سوم، خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۶
۷. ابن ادريس، محمد بن ادريس، السرائر، چاپ دوم، قم، موسسه نشر اسلامي، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن انس، مالک، الموطأ، شارح: زرقانی محمد بن عبدالباقي، قاهره، مکتب التجاره الكبرى، ۱۳۵۵ ق.
۹. ابن بابويه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۱
۱۰. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، سير النبويه، مترجم هاشم رسولی، کتابفروشی اسلامیه
۱۱. احمدی میانجی، علی، اطلاعات و تحقیقات در اسلام، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۸۱
۱۲. احمدیان، ابراهیم، احادیث قدسی، چاپ اول، تهران، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۲
۱۳. اشتهاردی، علی پناه، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴
۱۴. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۸
۱۵. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، سمت، تهران، ۱۳۸۶
۱۶. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، نشر دهقانی، قم، ۱۳۷۴
۱۷. انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی، مطالعه تطبیقی، انتشارات، سمت، ۱۳۸۰
۱۸. ایروانی، علی، حاشیه المکاسب، قم ذوی القربی، ۱۳۸۰
۱۹. بجنوردی، سید محمد حسن، قواعد الفقهیه، الجزء الاول، نشر الهادی، ۱۳۷۳
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالطباعة العامره، ۱۳۱۵ ق.
۲۱. بروجردی، مهدخت، حریم خصوصی در عصر ارتباطات، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ اسفند ۱۳۸۲ ش.
۲۲. بروجردی، حاج حسین، جامع احادیث شیعه، قم، المطیعه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
۲۳. بسته نگار، محمد، حقوق بشر، از منظر اندیشمندان، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. بوشهری، جعفر، مسایل حقوق اساسی، نشر دادگستر، ۱۳۷۶
۲۵. بهرامی احمدی، حمید، سوء استفاده از حق، چاپ سوم، ۱۳۷۷
۲۶. یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران، مهرماه ۱۳۴۷ ش.